

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سیزدهم، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۰
صفحات: ۶۵-۴۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵
مقاله: پژوهشی

مقایسه گفتمان اخوان المسلمین و داعش از اسلام سیاسی و تأثیر آن بر تحولات خاورمیانه

سید عباس حسینی* / سعید اسلامی** / انوش جعفری***

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر مقایسه اسلام سیاسی متأثر از اخوان المسلمین و داعش در خاورمیانه می باشد. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و با توجه به ماهیت نظری آن، کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده که در آن با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان سیاسی به بررسی و واکاوی موضوع پرداخته شده است. نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، اسلام سیاسی داعش، دستورالعمل سیاسی، متکی بر جهاد بوده، لیکن اسلام سیاسی اخوان المسلمین از گفتمان احیاء جنبش خلافت و حکومت اسلامی به تدریج به گفتمان دموکراتیک و سکولار و از حیث عمل سیاسی از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی تحول یافته است. تأسیس دولت-ملت‌های نو نتیجه واکاوی آینده اسلام سیاسی در خاورمیانه می باشد. همچنین گفتمان سیاسی داعش از اسلام سیاسی شامل سلفی‌گری، با تکیه بر مفاهیمی چون شریعت، رهبری، جهاد، بازگشت به سلف و تقابل با سکولاریسم برای ایجاد هویت‌های به ظاهر مقاوم در خاورمیانه است و گفتمان سیاسی اخوان نقش مهمی در تحریک و ساماندهی گروه‌های سنی به خصوص سنی‌های فعال در جریان سلفی ضد دولت مرکزی این کشور و دامن زدن به بحران خاورمیانه ایفای نقش نموده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام سیاسی؛ اخوان المسلمین؛ داعش؛ خاورمیانه.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

seid_abbas_hosseini@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسؤول).

Eslameesaheed44@gmail.com

*** استادیار گروه روابط بین الملل، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

Dr.anoush.jafari@Gmail.com

مقدمه

اسلام سیاسی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گفتمان‌های موجود در خاورمیانه و جهان اسلام است و نقش‌آفرینی آن در سطح جهانی قابل توجه می‌باشد. در قرن اخیر هرگاه تقاضاهای اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه و جهان اسلام به مرحله بحرانی رسید، این گفتمان به‌عنوان بدیلی قدرتمند در عرصه سیاسی، اجتماعی و امنیتی ظاهر شده و نقش‌آفرینی کرده‌است. اسلام سیاسی از جمله جریان‌ها و گفتمان‌های موثر در انقلاب‌های عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا قلمداد می‌گردد؛ در این چهارچوب، رفتار اسلام‌گرایان در سه حوزه و روند اصلی قابل بررسی است. ابتدا، افراط‌گرایی و خشونت با پیدایش جریان‌های جدید تکفیری همچون: داعش، دوم: عدم توانمندی حفظ قدرت و حاکمیت توسط جریان‌های اصلی و ریشه‌دار اسلام سیاسی (سنی) مثل: اخوان المسلمین و سوم، تغییر در معادلات جبهه مقاومت. این روندها تأثیر مستقیمی بر نظم امنیتی منطقه خاورمیانه داشته و دارد. همچنین با توجه به قدرت گفتمان-ساز و نگاه اسطوره‌ای اسلام‌گرایان به تشکیل حکومت اسلامی و این‌که اسلام، راه‌حل مشکلات مختلف به خصوص مشکلات سیاسی و امنیتی منطقه است، اسلام سیاسی همچنان نقش مؤثری در معالجات سیاسی-امنیتی منطقه ایفا می‌کند. می‌توان گفت تحولات جهان عرب موجب، تأثیرات مهم ژئوپلیتیک در ساخت قدرت و سیاست منطقه از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی‌تر شدن مسائل خاورمیانه، تقویت منطقه‌گرایی در برابر بین‌الملل‌گرایی و افزایش رقابت بازیگران در سطوح مختلف شده و یا خواهد شد. در راستای موضوعات عنوان شده محقق در پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه گفتمان اخوان المسلمین و داعش از اسلام سیاسی و تأثیر آن بر تحولات خاورمیانه خواهد پرداخت.

۱. چارچوب مفهومی پژوهش

۱-۱. اسلام سیاسی و خاورمیانه

اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. این گفتمان در جغرافیای جهان اسلام، در چهارچوب اصول بنیادین اسلامی و در مواجهه با تمدن غرب و مدرنیته، موجب فعال‌سازی ذهن و عمل مسلمانان و متفکران اسلامی شد و دغدغه اصلی آن، بازسازی جامعه اسلامی براساس مبانی و اصول اسلامی است، اما می‌بایست در نظر

داشت، گفتمان اسلام سیاسی علی‌رقم نقاط مشترک در اصول، دارای تنوعات زیادی در فروع است و این تنوعات خرده گفتمان‌های متعددی را ذیل گفتمان اصلی شکل می‌دهد. همچنین گفتمان اسلام سیاسی مجموعه‌ای متفاوت و چندوجهی از زبان‌ها و سنت‌های خرده گفتمانی شیعی، سنی، عربی، ایرانی، آفریقایی و آسیایی است که نظم اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی خاصی را در جوامع اسلامی معاصر بازتولید می‌نماید. از آنجاکه گفتمان اسلام سیاسی همچون سکولاریسم، یک سنت استدلالی و مباحث‌های غنی و منبعی برای مشروعیت جمعی بوده، در معادلات سیاسی و امنیتی نظام بین‌الملل و جهان اسلام می‌تواند به صورت کنش‌گری فعال در رژیم‌سازی، دولت‌سازی و مشروعیت‌آفرینی در قالب نقش سازنده و مثبت مشارکت کند. اسلام سیاسی صرفاً یک گفتمان مخالف و معارض و منازعه طلب نیست؛ با این حال، ممکن است عناصری از منازعه‌طلبی و تحول‌گرایی نیز در آن وجود داشته باشد (سلیمی و اکبر، ۱۳۹۵: ۸۹). جریان‌های مذهبی، فرهنگی و تاریخی همچون اسلام سیاسی در شکل‌گیری الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه خاورمیانه نقشی مهم دارند. این الگوهای دوستی و دشمنی بر منظومه امنیتی یک منطقه موثر بوده و ممکن است براساس وابستگی متقابل امنیتی در بین طیف‌های مختلفی به وجود آید. در انتهای منفی این طیف یعنی آن زمان که وابستگی متقابل امنیتی واحدها در کمترین حد آن قرار دارد، منازعه شکل می‌گیرد. در انتهای مثبت آن، بالاترین درجه از وابستگی متقابل امنیتی جامعه، امنیتی پدیدار خواهد شد. به اعتقاد بوزان، خاورمیانه با وجود دخالت‌های سنگین و مداوم قدرت‌های سطح جهانی، چندین دهه به عنوان یک نظام امنیتی مستقل سطح منطقه‌ای عمل می‌کند. همچنین خاورمیانه پس از جنگ سرد به دلیل برجستگی اقتصادی و استراتژیکی خود به یکی از عناصر اصلی تعریف‌کننده و یا بنیادهای هستی‌شناسانه (آنتولوژیک) طرح نظم نوین جهانی تبدیل شده است. در حال حاضر این منطقه به عنوان پرکشش‌ترین ناحیه جهان، از لحاظ اهمیت استراتژیکی و اقتصادی خود یکی از عمده‌ترین مراکز نفوذ ابرقدرت‌ها محسوب می‌گردد. همچنین بعد از جنگ سرد نه تنها از اهمیت خاورمیانه کاسته نشده، بلکه بر ارزش استراتژیکی و اقتصادی آن افزوده شد. به عبارتی، خاورمیانه با توجه به نقش محوری خود در اقتصاد سرمایه‌داری، یعنی فراهم کردن مواد خام موردنیاز چرخش چرخه‌های صنعت و تولید، بیش از هر منطقه از جهان، برای نظام جهانی اهمیت دارد (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۲: ۲۳۹).

در این بین، منطقه‌ای شدن منازعات در خاورمیانه، به وقوع پیوسته است، اما ساختارهای ماندگاری برای جلوگیری از منازعات و مدیریت آن ایجاد نگردید. به‌رغم وجود تعاریف متفاوت؛ منطقه خاورمیانه، پهنه‌ای جغرافیایی از مراکش تا ایران، شامل کشورهای عربی، رژیم اسرائیل و ایران را شامل می‌شود. وابستگی متقابل در مجموعه امنیتی خاورمیانه به معنی همکاری نبوده و هرگونه توافق صلح آمیز در یک منطقه خاص، مستلزم تعهدات منطقه‌ای فراگیر است. اختلافات موجود بین کشورهای منطقه خاورمیانه، نشان‌دهنده عدم وجود نهادهای فراگیر منطقه‌ای می‌باشد؛ زیرا هرگاه در منطقه‌ای، همکاری‌های نهادمند همانند رژیم‌های امنیتی منطقه‌ای محدودی وجود داشته باشد، در تمام منطقه، منازعه‌هایی شکل می‌گیرد و ائتلاف‌ها و همکاری‌هایی بین خودی‌ها در مقابل دیگری به وجود آمده و بازتولید می‌شود (ایزدی و اکبری، ۱۳۹۵: ۴۶).

۱-۲. اخوان المسلمین

جنبش اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ توسط حسن‌البننا بنیانگذاری شد. اخوان المسلمین همواره جنبشی پویا و دارای دستور کار جامع و اصلاح طلبانه حوزه‌های گوناگون، بود. این جنبش آمیزه‌ای از اندیشه‌های اصلاح طلبان سلفی و نوگرایان اسلامی پشتیبانی می‌کرد و خود را وارث اسلام اصلاح طلبانه میدانست. طی چند سال گذشته، اخوان در رویارویی با محدودیت‌های سیاسی رژیم مبارک در استراتژی‌های مبارزه سیاسی و هدف‌های خود در عرصه سیاست‌گذاری ملی بازنگری کرد. در دهه گذشته این سازمان خود را پیشاپیش نیروهای مخالف رژیم حسنی مبارک قرار داد و خواستار گشایش فضای سیاسی و کاهش سرکوب‌گری‌های دولت شد. همچنین به همکاری با دیگر نیروهای سیاسی که دیدگاه‌های ایدئولوژیک متفاوتی داشتند پرداخته و جبهه‌های سیاسی اصلاح طلبانه مشترکی پدید آورد (دلیر پور، ۱۳۹۰: ۱۶۵). حدود پنج سال قبل، بخش دموکراسی خواه اخوان المسلمین تصمیم گرفتند تا وارد دولت شوند. آن‌ها فکر می‌کردند اگر بتوانند وارد بدنه نظام سیاسی شوند، ممکن است تأثیر بیشتری داشته باشند، چون در سیستم انتخاباتی مصر رئیس‌جمهور ابتدا در مجلس انتخاب شده و سپس مردم به او رأی می‌دهند؛ از این رو نفوذ در مجلس بسیار مهم است (نورانی، ۱۳۹۱: ۲۰۷). با وجود همه اختلافات و انشعاباتی که در این حزب صورت گرفت، مثل حزب الوسط، امروز چند جریان اصلی در اخوان قابل مشاهده است: محافظه کاران که دلبستگی زیادی به اصلاحات سیاسی نداشته و رویکردی سازش کارانه دارند؛ گروه دیگر به ضرورت استقرار دموکراسی و مشارکت سیاسی آگاه-

اند و در پی نیل به یک جامعه دموکراتیک هستند. البته با وجود همه این اختلافات، در یک چیز مشترک‌اند و آن سکولاریسم را به رسمیت نشناخته و اسلام را به عنوان دین و یک نظام کامل سیاسی و اجتماعی پذیرفته‌اند. برخی اعتقاد دارند، در تحولات اخیر، اخوان غافل گیر شد و با سردرگمی به معترضان پیوست، اما این مطلب را باید به آینده‌نگری و دوراندیشی آنان دانست. سیاستی که همواره مورد توجه رهبران حزب بود و نوعی ملاحظه‌کاری سیاسی و سازگاری با شرایط را مدنظر داشته‌اند، زیرا به عقیده آنان هرگونه شکست در سیاست‌ها می‌تواند به نابودی جنبش و آرمان‌های اسلام منجر گردد (حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

محمد مرسی پس از پیروزی در انتخابات پارلمانی مصر، در انتخابات ریاست جمهوری ژوئن سال ۲۰۱۲، نامزد حزب عدالت و آزادی به مقام ریاست جمهوری این کشور دست یافت. تحولات داخلی مصر نقطه عطفی در تحول الگوی رفتاری اخوان المسلمین در این کشور محسوب می‌شود. گروهی که تا اندکی قبل جزء گروه‌های غیرقانونی به شمار می‌رفت، پس از پیروزی انقلاب به عنوان مهم‌ترین بازیگران سیاسی مصر مبدل شد.

۳-۱. داعش

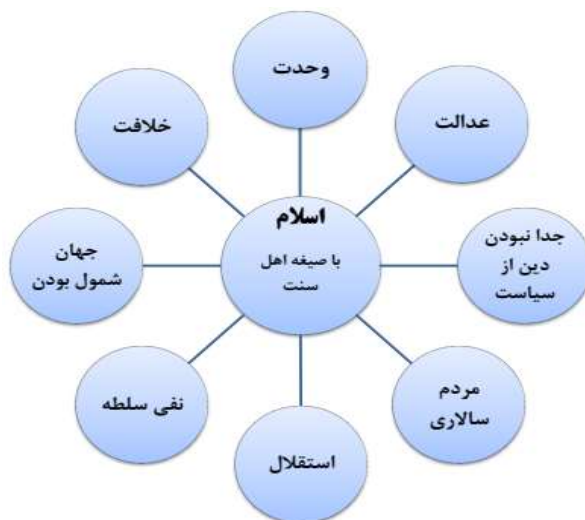
داعش به عنوان یکی از گروه‌های نوظهور بنیادگرای اسلامی دارای ویژگی‌های قابل توجهی در مقایسه با سایر گروه‌های بنیادگرا است. از ویژگی‌های منحصر بفرد داعش، خشونت بی‌سابقه است که آن‌ها نسبت به سایر گروه‌ها و افراد اعمال داشتند. هدف سازمان‌دهندگان این گروه بازگشت به چیزی است که آن را «خلافت اسلامی و اجرای شریعت» می‌نامند (بصیری، آقامحمدی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۵۲). گروه تروریستی داعش در ابتدا از قلب گروه توحید و جهاد ظهور کرد. نهضتی مقاومتی که در سال ۲۰۰۳ و با هدف مقابله با تهاجم آمریکا علیه عراق پایه گذاری شد و به شاخه عراقی القاعده معروف بود. پس از آن ابو عمر البغدادی گروه دولت اسلامی عراق را شکل داد. اما در میانه‌های جنگ داخلی سوریه، این گروه با رهبری ابو عمر ابوبکر البغدادی، با گروه جبهه انصر متحد شده و با سودای تشکیل حکومتی بر اساس شریعت در منطقه شام و عراق، فعالیت خود را از سر گرفت. رهبران داعش که توانسته بودند تعداد زیادی از متمولان افراطی حوزه خلیج فارس را به اهداف خود نزدیک نمایند، در اوایل سال ۲۰۱۴، فعالیت خود را با ورود به منطقه فلوجه متمرکزتر از پیش کرده و حرکت اصلی خود را در اواسط بهار آغاز کرد. داعش در این مدت توانست یکی از شهرهای مهم شمال عراق موصل، را تصرف نموده و با سرعتی بیش از حد تصور به سوی بغداد پیش‌روی کند (مستوفی، ۱۳۹۳: ۴۹).

۴۸). تأکید بر احیای خلافت و استقرار آن در جهان اسلام، ایدئولوژی مبتنی بر وهابیت، اعلام جهاد علیه سایر مسلمانان و استفاده از تکفیر در حد گسترده، از ویژگی‌های بارز ایدئولوژی داعش است. همچنین جهاد از مهمترین اسباب وجودی و حیاتی‌ترین اصول کاربردی در رسانه‌های آنان می‌باشد. از نظر داعش جهاد واجبی عینی است. در بین نوسلفی‌ها، جهاد به جهاد ابتدایی و تهاجمی تغییر یافت و به واجب عینی تبدیل شد. در واقع، تکفیر انگیزه‌ای برای جهاد بود. در آوریل ۲۰۱۰ ابوعمر البغدادی و ابو ایوب المصری هردو به دست آمریکایی‌ها کشته شده و بعد از آن ابوبکر البغدادی در مه ۲۰۱۰ رهبری داعش را به دست می‌گیرد. در جولای ۲۰۱۱ البغدادی جنگجویان خود را به سمت سوریه فرستاد. بعدها به گروه جبهه‌النصره معروف شد (کسرای، ۱۳۹۴: ۱۹۴). این گروه در تنها منطقه تحت نفوذ خود یعنی ادلب تا زمان تنظیم این گزارش (ژانویه ۲۰۲۰) با دولت سوریه درگیر بود. در آوریل ۲۰۱۳ داعش با مشارکت النصره، القاعده دولت اسلامی عراق و سوریه (ISIS) را پایه‌گذاری می‌کنند. در ژوئن ۲۰۱۴ داعش دومین شهر بزرگ عراق، موصل) را تصرف می‌نماید. در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴ داعش خود را دولت اسلامی می‌خواند (Friedland, 2015: 6). در جولای ۲۰۱۷ داعش در عراق با از دست دادن موصل دچار شکست سختی شد و جنگجویانش به رقه پایتخت داعش در سوریه عقب نشینی کرد. در اکتبر همین سال (۲۰۱۷) داعش با شکست مهلک دیگری در رقه مرکز خلافت خود، سپس در مارچ ۲۰۱۹ منطقه باغوز سوریه، آخرین مناطق خود را از دست داده است. از این جهات چشم انداز استراتژیک و عملیاتی داعش در آینده ضعیف به نظر می‌رسد (Jamaie, 2017: Hasen.lewis.jacobN.Shapiro). با این حال داعش جزء نادر گروه‌های تروریستی است که از قدرت سازماندهی، نهاد سازی و حکومتی برخوردار است. داعش از نیرو و تشکیلات منسجم، پایتخت نظامی و اقتصادی، ضرب سکه، راه اندازی مدارس و دانشگاه برخوردار بوده است. این فاکتورها اطلاق گروه تروریستی را برای گروه دشوار نموده است (بیری، ۱۳۹۳: ۲). هرچند اطلاق دولت به داعش با تعریف مدرن از دولت واجد دشواری‌ها و موانع جدی است (Jacoblypp, 2016: 6). به عبارتی دیگر، داعش سازمانی تروریستی «پیوندی» قلمداد می‌شود که در حکم یک بازیگر فرودولتی، به‌طور هم‌زمان در فضاهای نظامی، غیرنظامی و سیاسی عمل کرد. این گروه، با توجه به اقدامات که تمام هنجارهای بین‌المللی را زیر پا نهاده بود، نام خود را به عنوان خطرناکترین، بزرگترین و ثروتمندترین گروه تروریستی، چه در عرصه منطقه‌ای و چه در عرصه جهانی ثبت نمود.

۲. تحلیل موضوع

۱-۲. گفتمان اسلام سیاسی اخوان المسلمین

مفصل بندی گفتمان اسلام سیاسی اخوان المسلمین: جمعیت اخوان المسلمین در زمان تاسیس توسط حسن البنا، جنبشی با رویکرد اسلام‌گرا و صوفی درمقابل جریان‌های سکولار جهان عرب ظهور کرده بود. این جمعیت در جهت جلوگیری از گسترش الگوی لائیک و مبارزه با الغای خلافت در جهان اسلام بود. همچنین برای احیای مجدد خلافت و بازگشت به دوره خلافت اسلامی فعالیت در تلاش بود. حسن البنا علی‌رغم علاقمندی به صوفیه و نیایش‌های دینی، تلاش بسیاری برای مصر و ترفیق اندیشه اسلامی و ملی کرد. این نهضت اسلامی سنی در مصر به‌عنوان مهم‌ترین و اولین داعیه‌دار نوعی نظام اسلامی، توانست هم زمینه‌های سیاسی عملی و هم در زمینه تولید و پردازش نظریه آرای سیاسی و نقش ایفا کند. از اسناد و نامه‌های برجای مانده از مؤسس حزب چنین برداشت می‌شود که البنا رویکردی به تشکیل نظام سیاسی و آنگاه برمبنای شریعت اسلامی داشت. این جریان علی‌رغم گذار تدریجی به سیاست و تلاش جهت تشکیل نظام سیاسی و نقش آفرینی‌های جدی در کشورهای مختلف عربی با چالش‌های اساسی به ویژه در عرصه سیاسی مواجه بوده است.



شکل ۱. مفصل بندی گفتمان اسلام سیاسی اخوان المسلمین (منبع: نگارنده)

۲-۲-۱. دال مرکزی گفتمان اخوان المسلمین:

اخوان المسلمین در ابتدا دارای اهداف زیر بود: آزادی مصر در تمام زمینه‌ها، آزادی تمام سرزمین‌های عربی، تلاش در راه وحدت جهان اسلام. البنا اخوان المسلمین را جنبشی برای اصلاح کامل و بازسازی فکری - اجتماعی جامعه و به‌عنوان نهضتی جهت بازگشت به اسلام واقعی و استقرار کامل جامعه‌ی اسلامی می‌دانست. اخوان المسلمین از عوامل عقب‌ماندگی جامعه مصر را جدایی دین از سیاست می‌داند. اسلام، دال مرکزی گفتمان اخوان المسلمین است. البته اسلام با صبغه اهل سنت و در مراحل تکوین خود دال‌هایی دارد که مفصل‌بندی گفتمان را ممکن ساخته است. اخوان معتقد حرکت‌شان بازگشت به سوی تعالیم اساسی و حقیقی ادیان است و این ادیان در امور ویژه‌ای یکسان و مشترک اند.

هدف نهایی اخوان، برپایی نظام اسلامی و مقصود از نظام اسلامی در واقع برپایی محیط اسلامی خالص می‌باشد که فرهنگ اسلامی به تمام معنا در آن حاکم است. اخوانی‌ها در خصوص این‌که چگونه می‌توان به حاکمیت اسلام در جهان جامعه عمل پوشاند به روش مرحله‌ای باور دارند. این مراحل عبارتند از:

- پرورش جسمی و روحی تمام مسلمانان؛
- ایجاد خانواده‌های اسلامی، از طریق گزینانتخابش همسری مومن و پرورش فرزندان براساس تعالیم اسلامی؛
- ایجاد جامعه اسلامی، شامل افراد و خانواده‌هایی که با تعالیم اسلامی آشنایند و آن‌ها را در رفتار و کردار خود به کار می‌گیرند؛
- ایجاد خلافت اسلامی از طریق وحدت دولت‌های اسلامی؛
- حاکم کردن اسلام در سرتاسر جهان؛
- ایجاد دولت اسلامی برای جامعه اسلامی (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

۲-۲-۲. دال‌های شناور گفتمان اخوان المسلمین:

- **سیاسی بودن:** حسن‌البنّا در عمل می‌دید مسلمانان دین را از سیاست جدا کردند و این جدایی به تعبیر او نخستین گام سستی و منشا فساد است. از دیدگاه او، راهی برای خروج از این وضعیت جز با برپایی حکومتی اسلامی وجود نداشت (الشرقی، ۱۹۹۲: ۸۱). در دیدگاه حسن‌البنّا دین و سیاست از هم جدا نیست و دولت اسلامی قدرت دینی و قدرت دنیوی را اعمال می‌کند. در اسلام دو قدرت وجود ندارد که در جامعه اسلامی با هم نزاع نمایند. قدرت

یگانه و یکپارچه بوده و در دست دولتی تجسم می باید که بر امور دین و دنیا اشراف دارد. بنابراین دولت، قدرتی دارای رویکرد به جامعه و قدرتی است که احکام را اجرا می نماید، حافظ امنیت و نظم بوده و عدالت را در بین مردم حاکم می کند (البنا ۱۹۷۸: ۲۴).

– **نفی سلطه:** البنا از واژه «استخراب» (ویران خواهی) بجای واژه استعمار استفاده می کند. وی استعمار را عنصری مخرب برای وحدت و مانع اساسی ایجاد یک نهضت اسلامی می داند و به این دلیل از جوامع اسلامی می خواهد با استعمار مبارزه و از بندهای آن ها رهایی یابند. همچنین، آزادی از دیدگاه البنا آنچنان اهمیت دارد که اسلام هرگز دولتش را تحت حاکمیت جز آن و سرزمینش را تحت حکومت حاکم بیگانه از آن تصور نخواهد کرد.

– **جهان شمول بودن:** البنا با تأکید بر شمول اسلام نسبت به ابعاد فردی و اجتماعی انسان ها و ارتباط دین با دولت از طریق خلافت، به نفی نظریه عبدالرزاق پرداخته و گام در مسیر سید جمال و عبده نهاده است. به اعتقاد او اسلام عبادت و رهبری دین و دولت، معنویت و کار، نماز و جهاد، اطاعت و حکومت و کتاب و شمشیر است و هیچ یک از این دو گانه ها از دیگری جدا نیست (حسن البنا، ۱۹۸۳: ۱۴۵).

– **خلافت:** البنا چنین بیان می کند «خلافت نماد وحدت اسلامی مظهر ارتباط بین ملت ها و ریسمان پیوندی اسلامی است که بر مسلمانان واجب است در کار آن و اهتمام به آن بیندیشند. خلیفه ملاک بسیاری از احکام در دین خداست» وی شواهدی تاریخی و دینی از وجوب خلافت در میان مسلمانان ارایه می دهد و می افزاید: از این رو اخوان ایده خلافت و تلاش برای احیا و بازگرداندن آن را در رأس فعالیت های شان قرار داده اند. این هدف نیازمند بسیاری از زمینه سازی های ضروری است و پیش از برداشتن گام مستقیم به سمت خلافت باید گام های دیگری برداشته شود (حسن البنا، ۱۹۴۵: ۱۹۸-۱۹۹).

– **وحدت:** حسن البنا از جمله ستون های حکومت اسلامی را وحدت امت می داند. از نظر وی اسلام وحدت امت را واجب کرده است و آن را بخش اساسی از حیات اسلامی می داند که تساهل در آن در هیچ حالی روا نیست. چون اسلام وحدت را قرین ایمان قرار داده است. چنان که اختلاف و تفرقه را قرین کفر می خواند (مرادی، ۱۳۸۱: ۸۷).

– **عدالت:** از دیدگاه البنا مفهوم عدالت بسیار گسترده است. شامل فرد، خانواده و دولت و کل جامعه بین الملل است. او به نقش یا وظیفه دولت در تحقق و تضمین عدالت در همه سطوح

تأکید دارد و می‌گوید ترازوی عدالت دولت، همان قانون عادلانه و مهر آمیز است... که حدود حاکم و مردم را مشخص می‌نماید. بنابراین هرگاه دولت ترازویی برای سنجش عدالت نداشت یا آن را نابجا بکار برد، هرج و مرج گسترش یافته و نظام دچار ناآرامی می‌شود.

- استقلال: حسن البنا معتقد است باید وطن اسلامی از هرگونه سلطه بیگانه رها باشد و این حق طبیعی هر انسان است و کسی جز ستمکاران و مستبدان زورگو منکر آن نیست.

- مردم سالاری: از نظر البنا از ارکان دولت اسلامی، احترام به اراده ملت است. این رکن در حق نظارت امت بر حاکم و حق مشاوره با او تجسم می‌یابد. وی این رکن را به نظام انتخاباتی ربط می‌دهد و توضیح می‌دهد که احترام به اراده امت به این است که آنان به گونه‌ای درست و شایسته‌ای در حکومت مشارکت داده شوند و حکومت نماینده آنان باشد (مرادی، ۱۳۸۱: ۸۸).

۲-۲. گفتمان اسلام سیاسی داعش

مفصل بندی گفتمان اسلام سیاسی داعش: اگر ساماندهی به مناسبات متغیر و قراردادی دال و مدلول را سیاست بدانیم، مسلماً بدون شناخت این نوع ساماندهی و شیوه معنابخشی به نشانه‌ها و طرد و حاشیه‌رانی معانی محتمل دیگر، شناخت یک گفتمان میسر نخواهد بود. از دیدگاه لاکلائو و موف، سیاست واکاوی گفتمان تکفیری- سلفی‌گری... عبارت است از نزاع معنایی که در طرح‌های سیاسی قبلی نسبتاً ثابت بوده‌اند و به کارگیری مجددشان در زندان معانی جدید، تلاش برای ترغیب دیگران برای پذیرش اعتبارشان و تثبیت کردنشان در معانی نسبتاً قطعی که به بخشی از دستور زبان زندگی روزمره تبدیل می‌شوند. از این منظر قدرت عبارت است از: «تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هرآنچه آن را نفی می‌کند. قدرت عبارت است از جعل یا ساختن سمبل‌ها و هرآنچه که تأثیری در جهان مادی دارد» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۴). با توجه به رویکرد لاکلائو و موف به سیاست و مفهوم قدرت، در این بخش به چگونگی مفصل‌بندی مفاهیم، معنادهی به دال‌ها، شیوه برساختن سمبل‌ها و جعل نشانه‌ها، قدرت تعریف مفاهیم و تحمیل این تعاریف با توجه به کارکرد غیریت سازانه آن‌ها در گفتمان دولت خلافت اسلامی می‌پردازیم. داعش زنجیره هم‌ارزی خود را با استفاده از مهم‌ترین مفاهیم اسلامی همچون توحید، جهاد، تکفیر اجرای احکام شریعت و بدعت زدایی و بازگشت به سلف صالح، حول دال مرکزی احیای خلافت اسلامی صف‌آرایی می‌نماید (شکل ۲)؛ مواردی که در ذیل به آن خواهیم پرداخت:



شکل ۲. مفصل‌بندی گفتمان اسلام سیاسی دولت خلافت اسلامی داعش (منبع: نگارنده)

۲-۱-۲. دال مرکزی گفتمان اسلام سیاسی داعش:

دال مرکزی گفتمان داعش و شاه کلید اندیشه سیاسی در جهان اسلام سنی، خلافت اسلامی است. دال تهی خلافت به جایگاه دال برتر می‌نشیند و در نهایت به دالی سرشار از معانی بدل می‌شود (ناظمی اردکانی، خالدیان، ۱۳۹۷: ۵۹). این گفتمان با نشان دادن دال خلافت به مثابه دال مرکزی، معی دارد از راه‌های گوناگون قدرت تعریف مفاهیم را از دیگر رقبا بگیرد. اگر به روند مبارزاتی گروه داعش دقت کنیم، خواهیم یافت، زمانی که تحت نام‌های دیگر فعالیت می‌کرد تحت هژمونی القاعده قرارداد داشت (جدول ۱) اما با نامگذاری خود تحت عنوان دولت خلافت اسلامی در عراق و شام، تلاش کرد از زیر بار این هژمونی بیرون آمده، به رقیبی جدی برای القاعده تبدیل می‌شود و با ادعای احیای خلافت اسلامی، هژمونی خود را در بین دیگر گروه‌های جهادی تثبیت می‌کند (صابری و باقری بیدهندی، ۱۳۹۷: ۸۶). راز جدا شدن گروه‌هایی مثل انصارالشریعه، انصاربیت المقدس، الشباب و بوکوحرام و بیعت آنان با البغدادی را باید در این موضوع می‌توان جستجو نمود.

جدول ۱. سیر تحول گفتمان دولت خلافت اسلامی (نگارنده)

سال فعالیت	گروه
۱۳۷۹-۱۳۸۳	جماعت توحید
۱۳۸۳-۱۳۸۵	القاعده عراق
۱۳۸۵	مجلس شورای مجاهدین
۱۳۸۵-۱۳۹۲	دولت اسلامی عراق
از ۱۳۹۲	دولت اسلامی در عراق و شام

با این نام‌گذاری، نظم تحمیل شده توسط کشورهای غربی که سبب تقسیم پیکره جغرافیایی امت اسلامی شد، به چالش کشیده شد و به برساختن نظمی «پساسایکس‌پی‌کویی» که نماد اتحاد دوباره پیکره امت واحده اسلامی است مبادرت ورزید. گفتمان داعش، سعی در القاء و تثبیت این باور دارد که دین اسلام به واسطه خصوصیات ذاتی‌اش اساساً پذیرای هیچ نظام دیگری بجز خلافت نیست (اسدی، مصطفی، ۱۳۹۷: ۷). بنابراین می‌بایست سیستم خلافت به عنوان تنها نظام مطلوب سیاسی مسلمین احیا گردد. براین اساس، نظام‌های سیاسی غرب، طرد می‌شوند و گفتمان‌های اسلامی دیگر که قالب‌های حکومتی دیگری غیر از خلافت را پذیرا شدند و تلاش کردند یک نظام غیرخلافتی در چارچوب نظام صدقی اسلامی که منطبق با مقتضیات زمانه، جرح و تعدیل شده‌اند به حاشیه رانده شده و از آنها غیریت سازی می‌شود (صابری و باقری بیدهندی، ۱۳۹۷: ۸۶). در اینجا خلافت به مثابه فناوری اعمال قدرت، هم به عنوان تنها راه صحیح و هم به مثابه هدف، ارائه می‌شود و در نقش شناسنده حقیقت در حوزه سیاسی تبلور یافت.

گفتمان داعش در واقع سعی کرد هرچه بهتر خود را مانند نیروی احیا کننده نظام خلافت اسلامی به ویژه خلفای راشدین و خلفای عباسی جلوه‌گر کند. به این دلیل تمام تلاش خود را برای تداعی سازی اتصالات تاریخی به کار گرفت. از جمله:

۱. انتخاب نام ابوبکر البغدادی برای خلیفه که ابراهیم عواد السامرایی نام دارد؛

۲. خواندن خطبه به سبک خلیفه اول (ای مردم من بهترین شما نیستم)؛

۳. پوشیدن لباس و جامه سیاه به سبک خلفای عباسی؛

۴. استفاده از القاب امیرالمومنین، حسینی و بخصوص القریشی که تداعی کننده حدیث معروف سقیفه «لأنه من القریش» و فتوای فقهای معروف اهل سنت همچون، شافعی، ماوردی، ابن جماعه و خنجی است.

اقدام بسیار مهمی که داعش برای ایجاد نوعی هژمونی انجام داد، انتشار نقشه جدید دولت خلافت اسلامی است (میرعلی و شقائی، ۱۳۹۷: ۱۹۱). در نقشه «خلافت اسلامی» از شبه جزیره بری تا شبه قاره هند امتداد دارد. اما این تنها قدم اول به طرف اعلام راهبرد فتح سراسر جهان است که سرانجام به اسلامی شدن تمام دنیا منتهی می شود (Micallef, 2015). براساس دیدگاه فوکو: «نقشه جغرافیایی در زمره اسناد و متون مشروعیت بخش گفتمان‌ها قرار دارد و هم خود گفتمان ساز است» (بزرگی، ۱۳۸۳: ۱۵۵). بنابراین خلافت همانند نماد نظام مطلوب عامه مسلمین، هم در مقابل نظام امامت (مکتب اهل بیت) به مثابه نظام مطلوب گفتمان تشیع و هم در مقابل نظام لیبرال دموکراسی غرب مانند هژمونی جهانی بر ساخته می شود.

۲-۲-۲. دال شناور گفتمان اسلام سیاسی داعش:

- **توحید:** توحید به عنوان مهم‌ترین پیام ادیان ابراهیمی در بستر گفتمان داعش، دلالت معنایی ویژه‌ای می‌یابد. این‌که داعشیان خود را به عنوان موحدین و گروه‌های توحیدی نامگذاری می‌کنند علاوه بر باورهای مذهبی، هدفی سیاسی نیز دنبال می‌نماید. داعشیان، توحید و مظاهر شرک را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که فقط خود در دایره توحید قرار داشته باشند و همه گفتمان‌های دیگر به مدار کفر و شرک رانده شوند. تأکید بر توحید در این گفتمان توأمان چندین هدف سیاسی را دنبال می‌کند:

- **کارکرد مشروعیت سیاسی:** بر این مبنا، چگونگی قدرت گرفتن داعش با این استدلال که حاکمیت از آن خداست و مردم نقشی در مشروعیت بخشی ندارند توجیه می‌شود.

- **ممانعت از هرگونه مفصل‌بندی گفتمان‌های رقیب:** از این منظر جریان‌های اسلامی که سعی می‌کنند مفاهیم دموکراسی، حقوق بشر و نظایر آن را از حصار معرفتی غرب رها کنند و با باز تعریف آن‌ها در قالب مفاهیم دینی، اسلامی دیگر عرضه نمایند در مقابل سد توحیدگرایی قرار گرفته و قابلیت اعتبار خود را نزد گفتمان داعش از دست می‌دهند (برزگر و شریف، ۱۳۹۸: ۸).

- بازگشت به سلف صالح: منظور از سلفیه کسانی هستند که خودشان را از نظر مذهبی به این عنوان وصف می‌کنند. داود فیرحی در این خصوص می‌گوید: «آنان جز آن نظام دانایی که در صدر اسلام (سلف صالح) وجود داشت، نظام معرفتی دیگری را قبول ندارند؛ چراکه فقه سیاسی اهل سنت عمدتاً زیر سلطه حیات صحابه قرار می‌گیرد. شافعی رأی صحابه را بهتر از رأی ما برای خودمان می‌داند. صحابه در علم و اجتهاد و تقوی و عقل برتر از ما هستند و دیدگاه‌هایشان برای ما شایسته‌تر و از رأی ما نسبت به ما سزاوارتر است» (فیرحی ۱۳۷۸: ۸۸-۸۵).

دلتنگی بازگشت به خاستگاه اصلی که همواره به شکل دوران طلایی در بسیاری از گفتمان‌های اسلامی بازنمود می‌یافت به ویژه با ابعاد ناخرسند عصر مدرن، رؤیای بسیار جذابی بود که دولت خلافت اسلامی از آن برای جذب جهادیون بهره گرفت. در بخشی از فیلم‌های آنان نشان داده می‌شود که دیوان زکات تأسیس شده یا صحنه‌های گرفتن پول و گوسفند به عنوان زکات و دادن رسید با مهر حکومتی به نمایش گذاشته می‌شود (علیجانی، ۱۳۹۳: ۱۸).

از منظر بیرونی این اعمال جهت تدبیر و اداره جامعه، ساده لوحانه، ابتدایی، بدویگونه به نظر می‌رسید؛ اما برای معتقدینی که باور داشتند قرآن و سنت باید مطابق فهم سلف صالح فهم گردد و سبک زندگی صحابه صدر اسلام می‌باید الگو قرار گیرد، بسیار جذاب است و کاربرد مؤثری جهت دولت خلافت اسلامی دارد. گفتمان داعش با بهره‌گیری از این دال، مسائل جامعه را بسیار ساده‌سازی می‌کند و تنها فهم درست از دین را فهمی مطابق به دوران صحابه قلمداد می‌کند. این برداشت از دین با ذهنیت پایگاه اجتماعی اصلی داعش یعنی مردمان مناطق عشایر و بدوی عراق و سوریه کاملاً مطابقت دارد و به نوعی قابلیت اعتبار برای آن فراهم می‌سازد، قابلیت‌هایی که بخش عمده‌ای از قدرت‌گیری این گروه و هژمونیک شدن آن را به خصوص در این مناطق توجیه می‌کند و بستر را جهت دال دیگر این گفتمان یعنی اجرای احکام شریعت و بدعت زدایی فراهم می‌سازد.

- اجرای شریعت و بدعت زدایی: از آنجاکه حاکمیت تنها از آن خداست و هرگونه قانون-گذاری منحصرأ از آن اوست، از این رو تنها وظیفه انسان، اجرای احکام الهی است. کاهش قدرت اجتماعی نهادهای مذهبی و تنزل اجرای شریعت اسلامی و جایگزینی این قوانین با قوانین سکولار و همچنین آمیختگی عبادات به آیین‌های جدید در دوران هژمونی گفتمان‌های سکولار از جمله مهم‌ترین دلایل مخالفت اسلام‌گرایان با این گفتمان‌ها است. با اجرای ناقص مدرنیزاسیون و شکست نوسازی و ناکامی گفتمان‌های حاکم از حل معضلات و مسائل جامعه، اسلام‌گرایان

توانستند این مسأله را به سود گفتمان خود با این استدلال که اگر قوانین شریعت به اجرا در آید، تمامی مشکلات جامعه حل خواهد شد، مصادره نمایند و لزوم اجرای شریعت به یکی از مهم‌ترین شعارهای گفتمان‌های اسلامی تبدیل گردید. دالی که داعش با اجرای خشن احکام و حدود الهی توانست خود را به عنوان نظم متشرعانه در جهان تسنن ارائه نماید، دالی است که باید آن را در ضدیت با قوانین عرفی قلمداد کرد. برای احقاق این امر، داعش به خشن‌ترین شیوه‌های نمایشی از بریدن سر و آتش زدن و پرتاب از کوه و نظایر آن، برای اعمال این اصل بهره‌گیری کرد. درگفتمان داعش، هر چیزی که ریشه در دوران پیامبر و سلف صالح نداشته باشد، بدعت خواهد بود. از این‌رو، بیشتر اعمال تشیع و تصوف، بدعت نام گرفته و زمینه برای تکفیر آنها فراهم می‌آید.

- **جهاد:** در این گفتمان جهاد، خوانش نظامی از سیاست است. مدلول جهاد و تکفیر در این گفتمان نوعی صورت‌بندی از جهان بر مبنای تقسیم‌الگوی کهن و مجدداً تئوریزه شده سید قطب است که در آن جهان به دو قطب متخاصم، دارالاسلام- دارالکفر تقسیم می‌گردد (میرعلی و شقائی، ۱۳۹۷: ۱۹۱). این تقسیم بر مبنای تضادی آشتی‌ناپذیر و بنیادین بین «ما»ی مؤمن مجاهد توحیدی با «دیگر» های ملحدین، مشرکین است.

در جریان‌های جهادی- سلفی سعی بر آن است، به گونه‌ای به دال جهاد معنادهی شود تا مدلولی بجز آنچه آن‌ها می‌خواهند پدید نیاید. در همین ارتباط، عمر عبدالرحمان نظریه‌پرداز جهادیون استدلال می‌کند: «احادیثی که از پیامبر در خصوص جهاد اصغر و اکبر نقل می‌شود کذب محض است؛ جهاد تنها یک معنا دارد و آن هم وادار کردن کفار به پذیرش اسلام و یا قراردادن آن‌ها تحت فرمان حاکمیت الهی است؛ سایر تحلیل‌ها در مورد جهاد، ناشی از ترس حاکمان و قدرت‌های استعمارگر است» (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۲: ۲۳۹). درپرتو چنین تفسیری از معنادهی به دال جهاد، سایر معانی مثل جهاد به مثابه «مبارزه با نفس» و یا «تزکیه اخلاقی» و یا «جهاد دعوت» به حاشیه رانده شده و بدین ترتیب سبک مبارزاتی گفتمان‌های رقیب به ویژه سبک پارلمان‌تاریستی و محافظه‌کارانه گروه‌هایی همچون اخوان‌المسلمین طرد می‌گردد.

- **تکفیر:** تکفیر دالی است که نقشی مثل جهاد ایفا می‌نماید. با این تفاوت که غیریت‌سازی در جبهه درونی را به عهده دارد. جهاد در اسلام امری است که در مقابل کفار انجام می‌شود و نه مسلمانان. پس برای اقناع جنگ و جهاد به مسلمانان دیگر و به ویژه شیعیان، دال جهاد به

تنهایی نمی‌تواند مؤثر واقع گردد؛ بنابراین باید به حربه دیگری متوسل شد. فراهم‌سازی این توجیه بر عهده دال تکفیر است.

در بحث از آرا و اعمال محمد بن عبدالوهاب بیان شد که چگونه فتوای کفر سایر مسلمانان و به ویژه شیعیان را صادر نمود (اسدی و مصطفی، ۱۳۹۷: ۷). از این منظر، هر آنچه که امامیه را از عامه متمایز می‌کند بدعت است. امامت، شفاعت، عصمت، مهدویت، تقیه، توسل، زیارت قبور و تعزیه به عنوان مناسکی که شیعه به آن باور دارد و همچنین رویکرد تاریخی شیعیان نسبت به سقیفه و صحابه و سلف صالح تماماً به مثابه کفر، شرک، بدعت و خرافه است. از منظر سلفیون تکفیری در آیین تشیع هم ربوبیت (قدرت الهی) هم الوهیت (عبادت کردن) و هم صفات و اسماء الهی طوری تعریف شد که با درک و فهم سلف صالح از اسلام همخوانی ندارد و بدین‌صورت شیعه به مثابه یک غیر بازنمایی شد و از دایره گفتمانی اسلام طرد می‌گردد. خلق این رابطه غیریت‌سازان‌های که به تولید «دشمنی و خصم» بیانجامد، برای تأسیس مرزهای سیاسی این گفتمان و متعاقب آن موجه‌سازی کشتار و قتل و عام شیعیان بسیار ضروری است. بدینسان داعش با ایجاد چنین زنجیره هم‌ارزی در حول محور خلافت، توانسته است گفتمان خود را مفصل بندی کند. نظام معنایی داعش با چنین غیریت‌سازی‌هایی هویت خویش را بر ساخته است.

نتیجه‌گیری

جنبش اخوان المسلمین از مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و تاثیرگذارترین جنبش‌های اسلامی معاصر است. این جنبش از ابتدای تاسیس تاکنون بارها توسط دولت‌های حاکم در مصر و سایر کشورهای عربی سرکوب شده بود، پس از بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا توانست موقعیت برتر خود را در بین سایر جریان‌های سیاسی تثبیت کند. با عنایت به اینکه هرگونه تغییر و تحول ساختاری قدرت در حوزه کشورهای خاورمیانه دارای اهمیت استراتژیک می‌باشد، سبب لرزش‌های ژئوپلیتیکی نوینی در سطوح مختلف بین‌المللی می‌گردد، بررسی ماهیت و شکل‌گیری تحولات اخیر منطقه و نقش و تاثیرگذاری اخوان المسلمین در این روند، امری بسیار مهم محسوب می‌گردد. به اعتقاد بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران سیاسی اخوان المسلمین طراح و آغازکننده این تحولات نوین ژئوپلیتیکی نبود، اما جمعیت اخوان المسلمین و احزاب وابسته به آن در کشورهای این منطقه با داشتن پیشینه مبارزه، کار تشکیلاتی، سیاست

هدفمند و سرمایه‌گذاری، به عنوان یکی از بازیگران اصلی و تاثیرگذار در تعیین نوع حاکمیت کشورهای منطقه و تحولات ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه نقش بسزایی خواهد داشت. این جنبش در کشورهای مصر، لبنان، سوریه، فلسطین، قطر، سودان و بسیاری از کشورهای دیگر تاثیرگذار بوده و توانسته الگویی جهت جنبش‌های اسلامی ارائه دهد.

بیشتر کسانی که در مصر، از اخوان حمایت کردند، هویت دوگانه اسلامی - مصری باستانی و حتی مدرنیستی خود را حفظ نمودند، نتوانستند در رقابت‌های زبانی و غیرزبانی از گفتمان اخوان حمایت نمایند. گفتمان اسلام‌گرای اخوان، نتوانست حین دستیابی به قدرت، هویتی کارآمد از مصر اسلامی برای مردم این کشور تعریف کند. در نتیجه اخوان به دلیل ناتوانی در مفصل‌بندی بهینه میان دال‌ها و غیریت‌سازی ناکارآمد در مقابل غرب و گفتمان سکولاریسم، نداشتن ایدئولوژی و برنامه برای آینده و حکومت، عدم تکیه بر پشتوانه مردم و حل مشکلات آن‌ها، با کوچکترین بحران ایجادشده دچار چالش شده و در نهایت فروپاشید. گفتمان سیاسی اخوان نقش مهمی در تحریک و ساماندهی گروه‌های سنی به خصوص سنی‌های فعال در جریان سلفی ضد دولت مرکزی این کشور و دامن زدن به بحران خاورمیانه داشته است.

نشانه‌های اصلی دال مرکزی گفتمان داعش که این گفتمان برای مشروعیت زایی استفاده می‌کند جهاد و تکفیر است. این گفتمان تحت تاثیر آموزه‌های نوسلفی به دنبال دشمن‌سازی است و هر نوع خوانش دیگر گفتمان اسلام سیاسی را طرد می‌نمود و آن را دشمن می‌انگاشت. بر این اساس گفتمان اسلام سیاسی داعش، جهان اسلام و واقعیت‌های درون آن را به نوعی خاص بازنمایی می‌کند، طوری که معانی گفتمان‌های دیگر را طرد و به منازعه و خصومت با آن‌ها می‌پردازد. داعش توانست با بهره‌گیری از ضعف نظام‌های فاسد در بعضی از کشورهای عربی و تشدید خشونت‌های فرقه‌ای و مذهبی، گسترش یابد و نوعی خوانش رادیکال و بنیادگرانه از اسلام سیاسی را ارائه کند که مورد سوءاستفاده اسرائیل، امریکا، غرب و حتی برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان قرار گرفت. آماده‌ترین جایگزین برای این خلا قدرت، گروه‌های افراطی و بنیادگرای مذهبی مثل داعش بود. این گروه با توجه به دشمنی با شیعیان و مسلمانان سنتی، عراق، سوریه، جمهوری اسلامی ایران، لبنان و تعدادی کشورهای معتدل عربی را با چالش‌های سیاسی - امنیتی روبرو ساخت و در نهایت با دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دامنه بحران خاورمیانه را افزایش داد و به تناسب آن شرایط ژئوپلیتیکی منطقه را دگرگون کرد. افزایش درگیری‌های فرقه‌ای به ویژه شیعه - سنی از پیامدهای اولیه این بحران است.

ظهور داعش در عراق، سوریه و گسترش نفوذ سایر گروه‌های معارض، از اسلام‌گرایان تا کردها وضعیتی را در ساحت سیاسی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه بوجود آورد که موجب به برهم زدن توازن قدرت در منطقه گردید. داعش در خاورمیانه تعدیل قوا در بین سه کشور مطرح منطقه (ایران، ترکیه و عربستان) را برهم زد. دو عامل مهم که نقش کلیدی در ایم امر داشت عبارتند از: حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و قیام‌های بهار عربی که موجب تعمیق شکاف‌های قومی- مذهبی در خاورمیانه شد.

مهم‌ترین پیامد ظهور داعش در غرب آسیا، «تضعیف جبهه مقاومت» در مقابل اسرائیل است. با افزایش تعداد گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، توان گروه‌های حامی محور مقاومت صرف مقابله با آن‌ها شد. همچنین ظهور داعش باعث افزایش شکاف بین سنی و شیعه و اختلافات داخلی در جهان اسلام و در نهایت به نفع اسرائیل شد. پیامد مهم دیگر داعش «افزایش اسلام‌هراسی» در جهان است. ازسویی دیگر بحران داعش سبب «تأثیرات منفی بر اقتصاد و توسعه» شده است. بطور کلی داعش سبب بوجود آمدن آسیب‌های امنیتی- اقتصادی برای همه بازیگران در منطقه خاورمیانه شد و با به چالش کشیدن نظم نسبی موجود، ریشه‌های بی‌اعتمادی در منطقه را افزایش و چشم‌انداز صلح بین بازیگران منطقه را با چالش‌های جدی مواجه کرد.

در نهایت این پژوهش چنین نتیجه‌گیری می‌شود که، اسلام‌سیاسی داعش، دستورالعمل سیاسی، متکی بر جهاد بوده، لیکن اسلام سیاسی اخوان‌المسلمین از گفتمان احیاء جنبش خلافت و حکومت اسلامی به تدریج به گفتمان دموکراتیک و سکولار و از حیث عمل سیاسی از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی تغییر یافت. تاسیس دولت- ملت‌های نو نتیجه واکاوی آینده اسلام سیاسی در بین کشورهای خاورمیانه است. همچنین گفتمان سیاسی داعش از اسلام سیاسی شامل سلفی‌گری، با تکیه بر مفاهیمی مثل شریعت، رهبری، جهاد، بازگشت به سلف و تقابل با سکولاریسم جهت ایجاد هویت‌هایی به ظاهر مقاوم در خاورمیانه است و گفتمان سیاسی اخوان نقش مهمی در تحریک و ساماندهی گروه‌های سنی به ویژه سنی‌های فعال در جریان سلفی ضد دولت مرکزی این کشور و دامن زدن به بحران خاورمیانه داشته است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اسدی، عباس و مصطفی، مجید (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمان حاکم بر ساختار تبلیغاتی داعش (مورد مطالعه: مجله دابق»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار، صص ۲۴-۷.

ایزدی، جهانبخش، اکبری، حمید رضا (۱۳۹۵)، «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز، صص ۶۷-۴۵.

برزگر، ابراهیم، شریف، طاهره (۱۳۹۸)، «شبهات های اندیشه سیاسی وهابیون تکفیریون داعش»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۹، بهار، صص ۳۱-۷.

ببری، نیکنام (۱۳۹۳)، تروریسم و جهانی شدن ارتباطات، تهران: ابرار معاصر.

بزرگی، وحید (۱۳۸۳)، دیدگاه های جدید در روابط بین الملل تأویل شناسی، پسانوگرایی، نظریه انتقادی، تهران: نشرنی.

بصیری، محمدعلی، آقا محمدی، زهرا، فلاحی، احسان (۱۳۹۵)، «بسترهای شکل گیری و تداوم تروریسم در خاورمیانه مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۳، پاییز، صص ۷۱-۵۱.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، «القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تأکید بر عراق)»، فصلنامه سیاست، شماره ۲، تابستان، صص ۱۷۰-۱۵۱.

حسینی، مختار (۱۳۸۱)، برآورد استراتژیک مصر (سرزمینی - سیاسی - نظامی)، جلد اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

حسینی فائق، سید محمد مهدی (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی و آینده روابط مصر و اسرائیل، در بیداری اسلامی و تحولات منطقه ای، ویراستار علمی اصغر افتخاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

سلیمی، حسین و اکبری، حمید رضا (۱۳۹۵)، «بررسی چگونگی کارکرد مفروضات معرفتی گفتمان اسلام سیاسی در نظام بین الملل»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۲۰، بهار، صص ۱۱۰-۸۹.

دلیرپور، (۱۳۹۰)، «دورنمای اسلام سیاسی در مصر»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۸۵، صص ۱۷۵-۱۶۲.

کسرابی، محمد سالار و داوری مقدم، سعیده (۱۳۹۴)، «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه شناختانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، صص ۲۱۶-۱۹۱.

لاکلاو، ارفستو و شانتال موف (۱۳۹۳)، **هژمونی و استراتژی سوسیالیستی**، ترجمه محمدرضایی، تهران: نشر ثالث.

فیرحی، داوود (۱۳۷۸)، «فقه سیاسی اهل سنت»، **علوم سیاسی**، شماره چهارم، بهار. صابری، قربانعلی و باقری بیدهندی، ناصر (۱۳۹۷)، «تبیین جایگاه خلافت در اندیشه سیاسی داعش»، **فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۰، بهار، صص ۱۰۴-۸۵. مرادی، مجید (۱۳۸۱)، «نظریه دولت در اندیشه حسن البنا»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۱۹، پاییز، صص ۱۰۲-۸۳.

مستوفی، فرید (۱۳۹۳)، «داعش تیغ دو لبه»، **ماهنامه گزارش**، شماره ۲۶۰. میرعلی، محمدعلی و شقائی، امان‌الله (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمانی اسلام خلافت محور در افغانستان»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال هشتم، شماره ۲، تابستان، صص ۲۱۴-۱۹۱. ناظمی اردکانی، خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال ۷، شماره ۲، پیاپی ۲۶، تابستان، صص ۸۶-۵۹.

نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۲)، «بنیادهای فکری القاعده و وهابیت»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۲۷، بهار، صص ۲۵۶-۲۳۲.

نورانی، امیر (۱۳۹۱)، «مصر، بیداری اسلامی و الگوی ایران»، **مطالعات انقلاب اسلامی**، دانشگاه معارف اسلامی، سال نهم، شماره ۱، بهار، صص ۲۱۴-۱۹۱.

ب) منابع عربی

البنّا، حسن (۱۹۸۳)، **مذاکرات العوه والداعیه**، المکتب الاسلامی، چاپ نهم. البنّا، حسن (۱۹۷۸)، **منبر الجمعه (مجموعه احادیث الجمعه المنشور بجرید الاخوان المسلمین الیومیه)**، اسکندریه: دارالدعوه.

البنّا، حسن (۱۳۴۵)، «العروه والاسلام»، **دوهفته نامه اخوان المسلمین**، شماره ۱۸. الشرقی، عبدالمجید (۱۹۹۲)، «مشکله الحکم فی الفکر الاسلامی الحدیث»، **مجله الاجتهاد**، شماره ۱۴، چاپ بیروت، سال چهارم.

ج) منابع انگلیسی

Friedland, Elliot(2015), **Special Report the Islamic State**, the Clarion Project, May 10, available. at:<https://www.clarionproject.org/sites/default/files/islamic-state-isis-isil-factsheet-1>.

Jacop LYPP (2016),"Understanding ISIS.The Political Economy of War Making in Iraq", **Science PO Kuwait Program**. <https://www.sciencespo.fr/kuwait-program/wp>.

Jamie Hansen-Lewis and Jacob N. Shapiro (2017), **Terrorism Research Initiative**, Understanding the Daesh Economy.

Micullef.v.joseph(2015). **Islamic State:its history, Idology and Halleng** , Availability: www.huffintopnpost.com.